

شاتر آیلند،

سفری هراس انگیز در هزار توی ذهن

ترجمه: میترا کیوانمهر

"شاتر آیلند" حالا دیگر بعد از بیشتر از یک ماه اکران و استقبال بی نظیر علاقمندان سینما و قرار گرفتن در صدر جدول نقدهای مطبوعاتی برای اکثر مخاطبان جدی سینما در همه جای دنیا نامی آشناست. این فیلم بر اساس رمان معمایی سال ۲۰۰۳ "دنيس لوهان" ساخته شده، قهرمان فیلم یک مارشال فدرال به نام تدی دانیلز (با بازی لئوناردو دی کاپریو) با یک روح آزاده است، او همراه چاک (مارک روفالو) همراه بی احساس خود به یک آسایشگاه بیماران روانی در شاتر آیلند می رود تا درباره مفقود شدن یک زن روانی که بچه های خود را کشته تحقیق کند. اما تدی از سفر به این جزیره هدف دیگری هم دارد، مردی که او معتقد است همسرش را کشته احتمالاً جزو یکی از بیماران این تیمارستان است و تدی اصولاً به گروه روانپزشک این آسایشگاه مشکوک است، ضمناً رئیس این تیمارستان مشکوک هم دکتر کاوسی (بن کینگزلی) است. اتفاقات هراس انگیز و معمایی این فیلم در فضایی بسته و با یک طراحی تحسین برانگیز رخ می دهد و همه ی این ویژه گی هاست که شاتر آیلند را از نظر مارتین اسکورسیزی به یک فیلم دیگر، از مجموعه ی فیلم هایی تبدیل کرده است که او «نوع دیگر» می نامد.

از رمان تا فیلمنامه

رمان شاتر آیلند اولین بار در سال ۲۰۰۳ مورد توجه کمپانی "کلمبیا پیکچرز" قرار گرفت در حالی که دنيس لوهان نویسنده این کتاب امتیاز را به فونکیس پیکچرز فروخته بود، تبدیل این رمان به فیلم نامه یک سال طول کشید و در این یک سال اسکورسیزی مشغول انتخاب سایر بازیگرانش (به جز لئوناردو دی کاپریو همراه همیشه گی چهار، پنج سال اخیرش) بود. اسکورسیزی ۶۷ ساله در حال حاضر اپیزودهایی از سریال گانگستری «امپراطوری پیاده روی تخته ای» را آماده می کند. او که سه سال پیش فیلم جنگالی «مرده گان» را ساخته پس از چهل سال فیلم سازی و یک عمر تماشای جنون آمیز فیلم، اخیراً جایزه گلدن گلوب افتخاری را نصیب خود کرده و همچنان عاشقانه فیلم های قدیمی بازسازی شده و عکس های قدیمی سینمایی را جمع آوری می کند. او عاشق تاریخ سینماست. اسکورسیزی



در پاسخ به خبرنگار «نیویورک ریویو» درباره شاترا آیلند می‌گوید: از همان سال چاپ کتاب به آن علاقمند شدم و در جریان تدوین متوجه شدم حتی اضافه کردن یک نما می‌تواند کل صحنه‌ها را بی‌تأثیر کند. تدوین این فیلم یکی از مشکل‌ترین و در عین حال کم‌کارترین تدوین‌هایی بود که انجام داده‌ام.

او شاترا آیلند را هم مثل «مردگان»، «دارودسته نیویورکی‌ها» و «خیابان‌های پایین شهر» فیلمی از «نوع دیگر» می‌داند. اسکورسیزی می‌گوید: «وقتی فیلم‌نامه را خواندم واقعا تحت تأثیر شخصیت تدی و اضطراب‌ها و التهاب‌های روحی او قرار گرفتم».

او درباره لوکیشن این فیلم که یک آسایشگاه متروکه بیماران روانی در ماساچوست بود می‌گوید: «این مکان احساس حضور در یک دام را منتقل می‌کرد، یک هزار تو، مثل یک لایبرنت ذهن انسان یعنی همان چیزی که من می‌خواستم و سعی داشتم به مخاطبم هم آن را انتقال دهم».

دی کاپریو همراه همیشه اسکورسیزی

لئوناردو دی کاپریو، بازیگر جوانی که با فیلم پر فروش و معروف تایتیک به معروفیت رسید، بر خلاف تصور اکثر منتقدان خیلی زود از عرصه فیلم‌های تجاری هالیوود فاصله گرفت و با بازی در چهار فیلم غیر مستند اسکورسیزی از سال ۲۰۰۴ به بعد، به همراه همیشه گی و زوج هنری اسکورسیزی تبدیل شد.

او در این فیلم نقش اصلی فیلم یعنی «تدی» را بازی می‌کند. دی کاپریو درباره بازی در شاترا آیلند و همکاری با اسکورسیزی در مصاحبه با نیویورک ریویو می‌گوید: «بازی کردن در نقش تدی بسیار سخت بود ابتدا میزان پیچیده گی روح او برای من قابل درک نبود تا زمانی که مارتین (اسکورسیزی) برای تشریح ابعاد روحی او به کمک آمد. او می‌گوید: «وقتی با کسی مثل اسکورسیزی کار می‌کنی باید انتظار ورود به عرصه‌هایی را داشته باشی که هیچ وقت حتی تصورش را نمی‌کردی فیلم‌های او بیش از انرژی فیزیکی انرژی عصبی از بازیگر و حتی مخاطبان می‌گیرد».

دی کاپریو درباره عادت‌های اسکورسیزی می‌گوید: «او همیشه فیلم‌های کلاسیک را به بازیگرانش نشان می‌دهد. ما فیلم‌های «لارا»، «از دل گذشته‌ها» و «سرگیجه» را دیدیم چون همه‌ی این فیلم‌ها درباره کار آگاه‌های نگرانی است که در ضمن تحقیق درباره‌ی پروژه‌های هراس آور با خودشان و آشفته گی‌های روحی‌شان کنار می‌آیند و بعد از دیدن این فیلم‌ها بود که من فهمیدم مارتی می‌خواهد شاترا آیلند به نوعی حال و هوای این ژانر را

داشته باشد و به خصوص بر حضور حال و هوای دهه ۱۹۵۰ در فیلم تأکید دارد وقتی همراه این فیلم‌ها به من توضیح می‌داد انگار که قرار است به رویاهایش دسترسی پیدا کند. رویاهای مارتی همه‌ی فیلم‌های کلاسیک هستند، آن‌ها مثل خاطرات به یاد او می‌آیند.

درباره‌ی بازی دی کاپریو در این فیلم «پاتریک کرنان» از «Zoiksonlim» می‌گوید: بازی منسجم و شخصیت تدی با بازی دی کاپریو یک تحول است».

تهیه کننده‌ی شاترا آیلند (براد فیش) می‌گوید: «همیشه فکر می‌کردم دی کاپریو بازیگر بزرگی است و در این فیلم او یک جایگاه بسیار متفاوت در عرصه‌ی بازیگری پیدا کرد. تا حدی که بن

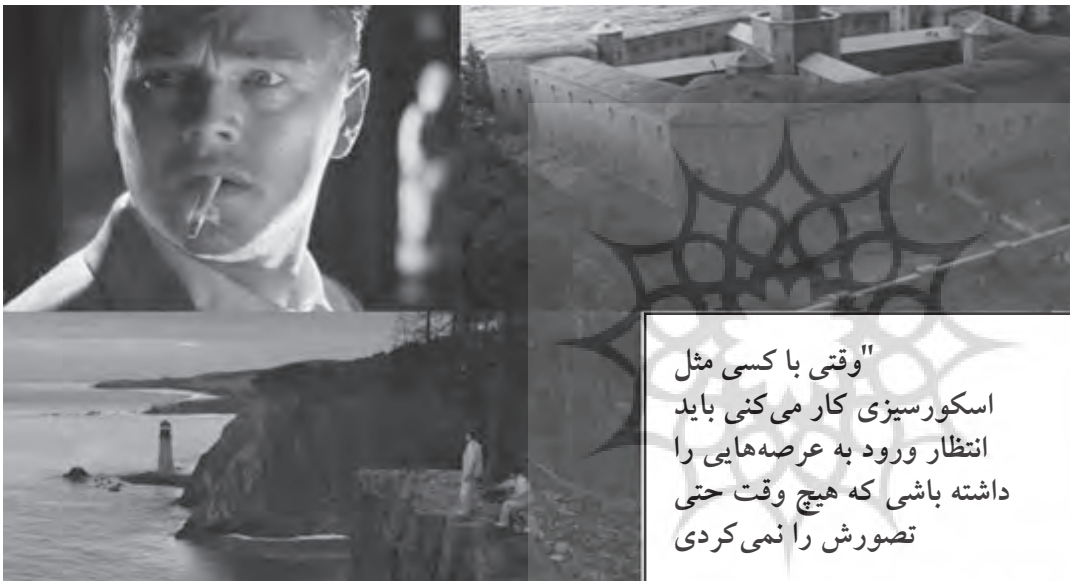
کند و در سر او پیچد». و سرانجام آن چه به عنوان موسیقی برای این فیلم ساخته شده بخشی از موسیقی مدرن و خوشنی بود که تا حدی به موسیقی فیلم‌های دهه‌ی ۱۹۵۰ شباهت دارد. انگار متعلق به یکی از فیلم‌های هراس آور «لیکازان» است. اما این موسیقی که برگرفته از سمفونی سوم «پنه درکی» است در عین قابل درک بودن برای مخاطبان به راحتی راوی روحیات حاکم بر فیلم است.

شاترا آیلند در آینه نقدها

شون پاتریک کرنان - منتقد نیویورک

ریویو:

آن چه درباره‌ی شاترا آیلند می‌نویسم یکی از سخت‌ترین نقدهایی است که تا به حال



«وقتی با کسی مثل اسکورسیزی کار می‌کنی باید انتظار ورود به عرصه‌هایی را داشته باشی که هیچ وقت حتی تصورش را نمی‌کردی»

نوشته‌ام. بی‌شک اسکورسیزی یکی از بهترین فیلم‌سازان معاصر است که در طول عمرم درباره‌اش مطلب نوشته‌ام و برایش احترام بسیاری قائم ولی شاترا آیلند فیلم خوبی نیست، از او انتظار بیشتری دارم. جزیره‌ی شاترا آیلند مکان دورافتاده‌ای است که یک بیمارستان روانی دارد که یک زن روانی از آن جا گریخته و یک مارشال فدرال مسئول پی‌گیری این پرونده است در همان گام اول این که چرا یک مارشال فدرال باید این وظیفه را بر عهده بگیرد را نمی‌فهمم. اما بی‌تردید ابعاد سینمایی این فیلم تحسین برانگیز است چون اسکورسیزی نگاه دقیقی دارد. کابوس‌های تدی فوق‌العاده‌اند و تکان دهنده و بازی منسجم دی کاپریو هم تحسین برانگیز است. بقیه بازیگران از جمله ماکس وون - بن کینگزلی بسیار خوب بازی کرده‌اند. هم خوبند، اما لحظه‌ی پایانی شاترا آیلند یک ناامیدی عظیم همراه دارد که نمی‌خواهم درباره آن توضیح بدهم و هر کس باید خودش

کینگزلی که خود از بزرگان سینمای هالیوود است در مراسم فرش قرمز این فیلم زبان به تحسین دی کاپریو بازی کرد. «مارتی یک موسیقی خشن و خاص (رابی رابرتسون) آهنگساز شاترا آیلند در سال ۱۹۷۸ در زمان ساختن فیلم مستند «آخرین والس» که اسکورسیزی درباره آخرین کنسرت گروه او می‌ساخت، با اسکورسیزی آشنا شد و از آن زمان تا به حال با او همکاری دارد. رابرتسون که ناظر موسیقی شاترا آیلند هم هست، درباره اسکورسیزی به خبرنگار «متاکریتیک» می‌گوید: «مارتی یک استعداد خاص در زمینه‌ی انتخاب موسیقی فیلم دارد که فقط مربوط به ترانه یا تم آهنگ نمی‌شود و به نوعی یک راز تلقی می‌شود اما در ابتدای این فیلم به من گفت: «خدایا نمی‌دانم برای این فیلم چه موسیقی مناسب است باید قطعه‌ای باشد مانند همان چیزی که درون تدی می‌گذرد این موسیقی باید با سفر غریب تدی بیننده را همراه



با دیدن فیلم آن را تجربه کند. اما این پایان برای من ارضاء کننده نبود. امیدوار بودم اسکورسیزی مرا به عنوان یک مخاطب حرفه‌ای در پایان فیلم شگفت‌زده کند، اما این طور نشد.

نظر "آن هوناردی" منتقد کریتیک ریویو:
اگر قرار باشد شاتر آیلند یک فیلم ترسناک به حساب بیاید که لئوناردو دی کاپریو و مارک روفالو در آن بازی کرده‌اند، به نظر کمی عجیب می‌آید. جستجوی یک بیمار روانی توسط یک مارشال آشفته حال و ... که شباهت بسیاری به آثار هیچکاک و ساموئل فولر دارد. اما نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد، اینست که تصاویر اسکورسیزی از کودکان مرده و خفه شده آن قدرها هم ترسناک نبوده و فقط کمی عجیب است.

"جیمز روچی" - از نشریه متاکریتیک:
شاتر آیلند فیلمی است که از زبان مارتین اسکورسیزی حرف می‌زند. او در جوانی مدام و قتش را در فیلم‌خانه و در جستجوی فیلم‌های هیجان‌انگیز سپری می‌کرد و بعد روزهای یکشنبه همراه خانواده‌اش به کلیسا می‌رفت و استغفار می‌کرد. شاتر آیلند ترکیبی از لحظات وحشت‌سینمایی همراه با سفر معقولی در جستجوی آرامش است و هر چند که فیلم

انگلیسی با دنیس لوهان نویسنده‌ی رمان شاتر آیلند یک گفتگوی طولانی درباره همه‌ی آثارش انجام داده که قسمتی از آن درباره‌ی شاتر آیلند است او می‌پرسد.

یکی از رمان‌های مورد علاقه من شاتر آیلند، و فیلمی است که از روی آن ساخته شده که نامش ظاهراً در ابتدا «آش کلیف» نام داشت، نه؟
در واقع آش کلیف تنها یک عنوان موقتی

دنیس لوهان: شاید بتوانم اثر یک نویسنده دیگر را تبدیل به فیلم‌نامه کنم. اما معتقدم آخرین کسی که باید در مورد اقتباس داستانتان برای فیلم‌نامه نظر بدهد خودم هستم

بود و پس از پایان ضبط فیلم، نام آن به "شاتر آیلند" تغییر کرد.

به چه دلیلی هیچ وقت خودتان را درگیر سناریو نویسی نکردید؟ در حالی که سه تا از رمان‌های شما تبدیل به فیلم شده‌اند.

من خوب از عهده این کار بر نمی‌آیم به خصوص در مورد کارهای خودم مثل این که یک جراح بخواهد فرزند خود را جراحی کند. در این صورت به نظر شما آیا من می‌توانم یک سناریوی واقعی بنویسم؟ شاید بتوانم اثر یک نویسنده دیگر را تبدیل به فیلم‌نامه کنم. اما معتقدم آخرین کسی که باید در مورد اقتباس داستانتان برای فیلم‌نامه نظر بدهد خودم هستم.

وقتی شنیدید که مارتین اسکورسیزی مشغول ساختن شاتر آیلند است چه حسی داشتید؟

حالم دگرگون شد - چی میتوانم بگویم؟ احساس خجالت و خوشحالی کردم
واقعاً این طور بود؟

یکی از بزرگترین فیلم‌سازان می‌خواست از اثر من فیلم بسازد و این باعث شد دست و پام

بدون نقضی نیست، اما بدون شک با شکوه است، بی‌تردید در حال حاضر اسکورسیزی لقب بزرگترین کارگردان زنده‌ی سینما را دارد و این از تک تک لحظات فیلم نمایان است.

شاتر آیلند و دیگر منتقدان:

اکثر منتقدان سینمایی از دیدن شاتر آیلند لذت بردند و رتبه الف و ب به آن دادند و "سلی موریس" از بوستون گلوب رتبه ب به این فیلم می‌دهد و می‌گوید یک فیلم سنگین و طولانی است.

"رابرت رابرت" از شیکاگوسان تایمز به آن رتبه الف می‌دهد و می‌گوید این اثر اسکورسیزی عرق ترس را بر بدن می‌نشاند. "شون اوکانل" در نشریه «فیلم کریتیک دات کام» به آن رتبه الف می‌دهد و می‌گوید رمان دنیس لوهان توانایی آن را داشت که تبدیل به یک فیلم خوب شود.

گزارشگر هالیوود کریتیک (هانی گات) رتبه ب به شاتر آیلند داده و می‌گوید: این فیلم از لحظه اول مخاطب را بر جای خود می‌خکوب می‌کند.

گفتگو با دنیس لوهان علی کریم خیرنگار

را گم کنم. تکان خوردم به کسی چیزی نگفتم به نظر من کتاب شاتر آیلند بسیار بزرگ است و همیشه به یادم می‌ماند به خصوص حس وحشت پنهان در سطر سطر کتاب...

متشکرم امیدوارم همه‌ی مخاطبان همین‌طور فکر کنند

در مورد شهرتی که میان خواننده گان خود پیدا کردید چه احساسی دارید؟

مایه افتخار من است که خواننده گان وفاداری دارم. همیشه به یاد دارم که موفقیت من مدیون آن‌ها و فیلمی است که از روی شاتر آیلند ساخته شد. چرا که چه بخواهیم و چه نخواهیم مخاطب سینما عام‌تر و بیشتر از کتاب است و هنر اسکورسیزی باعث ماندگاری داستان من شد.

چه قدر به اقتباس در سینما معتقدید؟

بسیار زیاد، به خصوص اگر کارگردان شخصی با مهارت اسکورسیزی بزرگ باشد چون اقتباس ناقص همیشه به اثر ضربه می‌زند و روح کار را می‌کشد. هر کم و کاستی هم در انتقال این ویژه گی‌های درونی داستان در فیلم‌نامه باشد وقتی کارگردان کل کتاب را بخواند و توانایی اسکورسیزی را هم داشته باشد یک اثر جاودانه خلق می‌شود.

هنر پیشه مورد علاقه‌ات کیست؟

این را می‌پرسی چون می‌دانی که عاشق دی‌کاپریو هستم.

بعد از ساخته شدن این فیلم به بازی او علاقه‌مند شدی؟

واقعاً نه. پس از بازی‌اش در "تایتانیک" و از آن زمان آرزو داشتم که او را ببینم.

او را در مراسم اکران اول فیلم دیدی؟

نه آن‌جا بیشتر مجذوب فیلم بودم او را قبلاً در دفتر تهیه‌کننده‌ی فیلم موقع بحث با فیلم‌نامه نویس و اسکورسیزی دیدم و علاقه‌ام به شخصیت آرام و شاخص او بیشتر شد.